

بواسطه جناب سررشته‌دار

احبای سنگسر و سمنان و شهمیرزاد علیهم بهاء الله الأبھی

هو الله

ای یاران الهی و اماء رحمان جناب سررشته‌دار سررشته‌ئی بدست داد تا احبای الهی بکوشند و مانند دریا بجوشند و بخروشند از احبای آن اقلیم چنان ستایشی نمودند که عبدالبهاء را در این زندان شادمان نمودند که الحمد لله یاران سنگسر جان و سر فدای آندلبر نمودند و دوستان سمنان اسیر آنزلف پریشان شدند و دل‌باخته آن مه تابان گشتند شب و روز رسم جانبازی آموزند و روز و شب در طلب رضای الهی هستند همدند و همراز و هم‌نغمه‌اند و هم‌آواز و این زندانیرا سرور روحانی در اینجهان فانی بهدایت عالم انسانیت دیگر فرحی نخواهد و راحتی نجوید و نعمتی نطلبید و موهبتی آرزو ننماید و اما در جهان الهی رحمت ربانی و موهبت رحمانی و امیدوارم که در این دو مقصد یاران و اماء رحمان همدستان گردند تا کلّ اوقات خویش را حصر در عبودیت الهیه نمائیم و بخدمت کلمه الله پردازیم ای یاران دل و جان آفاق از پرتو شمس حقیقت چنان روشن گردیده که آواز ملکوت ابھی جهانگیر گشته و صیت تقدیس و تنزیه احبای الله شرق و غرب را احاطه نموده حال باید که هر یک در این میدان جولانی فرمائید و گوی سبقت و پیشی برنمائید الحمد لله ابواب هدایت مفتوح و دلبر موهبت در جلوه و ظهور تأییدات الهیه متتابع و موفور و جنود ملاً اعلی مظفر و منصور دیگر چه وقتی بهتر از این وقت و چه زمانی خوشتر از این زمان البته فرصت از دست مدهید و این وقت پرموهبت را غنیمت شمارید همتی بنمائید که آن اقلیم جنة النعیم گردد و آن کشور منور شود با خلق آمیزش کنید و روش و سلوک فرمائید و نهایت خیرخواهی و دوستی و راستی با جمیع نوع انسانی مجری دارید اغیار را یار شمردید کور را بینا بتصور آید کر را شنوا گمارید مرده را زنده گوئید دشمن را دوست دانید مبغض را محب شمردید بهیچ ظلم و تعدی از کسی محزون و مکدر نشوید عنایت کنید الفت فرمائید نصیحت کنید شاید عبرت گیرد متنبه شود پشیمان گردد و بحلقه خیرخواهان درآید

ای یاران و اماء رحمان بنصوص قاطعه الهیه باید اطاعت حکومت نمائید و بخیرخواهی قیام کنید و بخدمت پردازید اعلیحضرت شهریار را خادم صادق باشید و سریر سلطنت کبری را رعیت طائع گردید و در خیر عموم بکوشید و سبب آسایش نوع بشر گردید جمیع طوائف را بهم صلح دهید تا کره و عدوان بکلی از میان برخیزد در امور سیاسی ابداً رخنه ننمائید و مداخله نکنید بصنعت خویش مشغول شوید و بحالت خود پردازید

الهی الهی هؤلاء عباد قرت اعینهم بمشاهدة الجمال و التذت آذانهم باستماع النداء من ملکوت الجلال و طابت نفوسهم بحصول الآمال و انتعشت ارواحهم من اقداح راح دارت فی محفل الاجلال قد خضعت لکلمتک منهم الأعناق و ذلت لأمرک منهم الرقاب و خشعت لعظمتک منهم الأصوات و عنت منهم الوجوه لسلطانک یا حیّ و یا قیوم و اعترفوا بوحدانیتک و اغترفوا من بحر رحمانیتک و اقتربوا الی ملکوت احدیتک و انجذبوا بنفحات قدسک و اشتعلوا بنار محبتک ربّ ایدهم علی ما تحبّ و ترضی و انشر علی رؤوسهم لواء الحمد فی سائر الأرجاء و اکتبهم فی کتاب السعداء و توجهم بأکالیل باهرة ساطعة علی القرون و الأعصار و اغرقهم فی بحار الأنوار و اسمعهم من انغام الأسرار و ادخلهم فی زمرة الأبرار و اجعلهم من جنود الملاً اعلی مجتدة فی ملکوت الأبھی حتی یفتحوا مدائن القلوب و اقالیم الأرواح بقوة ذکرک یا فالق الأصباح انک انت الکریم العزیز الوهاب و انک انت التواب الرحیم لا اله الا انت الغفور الکریم ع ع

این سند از کتابخانه مراجع بهائی دانلود شده است. شما مجاز هستید از متن آن با توجه به مقررات مندرج در سایت www.bahai.org/fa/legal استفاده نمایید.

آخرین ویراستاری: ۲۲ اکتبر ۲۰۲۳، ساعت ۱۰:۰۰ قبل از ظهر